محمّد أنور بدخشانی

شَيخ الحَدِيث بجَامِعَة العُلوم الإسلامِيّة
علّامه يوسف بنوري تاؤن كراتشي

محمّد أنور بدخشانی

شَيْخ الحَدِيثْ بجَامِعَة العُلوْم الإسْلاميّة
علّامه يوسف بنوري تاؤن كراتشي

وَقُومُوا لِلّٰہِ قٰنِتِیْنَ (البقرۃ)

ادلّۂ کاملہ

در اثباتِ

قنوتِ نازلہ

تألیف

محمد انور بدخشانی

استاذ جامعۃ العلوم الاسلامیہ علامہ بنوری ٹاؤن کراچی

فہرست مضامین ادلۂ کاملہ

تمہید

الحمدُ لله الّذی جعلنا شعوبًا و قبائل، والصّلوٰة والسّلام علی رسوله محمّدٍ سیّد الأواخر والأوائل، وعلی اٰله و أصحابه الذین قنتوا فی الشدائد والنوازل،

أمّا بعد: در احادیثِ صحیح آمده است که هرگاه بمسلمانان مصیبت و فاجعه نازل می شد پیغامبرِ اسلام علیه الصّلوٰة والسّلام در نمازها دعاهای مخصوص را می خواندند که به نامِ قنوتِ نازله مشهور شد لذا خواندن قنوتِ نازله فعلاً هم مسنون است، در "درّ مختار" و "شامی" هست که قنوتِ نازله برای هر مصیبت و وبای عام مستحب است، اکنون که تمام جهانِ اسلام خصوصًا وطنِ عزیز ما که در تحت سیطره عدوّ اسلام و دشمنِ بشریت مورد ستمهای گوناگون قرار دارد خواندن قنوتِ نازله در نمازها موجب نزولِ رحمت و نصرتِ الٰهی است، پس انکار و تقبیح قنوتِ نازله مترادف انکارِ سنّت و تقبیحِ آن است. و نیز تمام دانشمندان علوم شرعیه و ماهرین سنّتِ نبویه متفق اند که از عصر مبارک نبوی صلی الله علیه وسلم گرفته تا زمانِ منحوس ما

قنوتِ نازلہ مسنون و معمول بوده است، چنانچه کتبِ حدیث و اسفارِ فقه مذاهبِ اربعه از مسائل قنوتِ نازله و اثباتِ بقاء و عدم منسوخیتِ آن مشحون است، و تا حال غیر از بعض جهّالِ متعصب و منکرینِ حدیث دیگر کسی از مسنونیت و مشروعیتِ قنوتِ نازله انکار نکرده است۔

لذا نظر به خواهش برادر عمّه زادم مولوی نورالدین (حفظه الله) خواستم که مسائل مربوطه به قنوتِ نازله را در روشنی کتبِ حدیث و فقه به عباراتِ واضح در بیان مدلّل و مخوّل جمع نمایم تا لجام دهانِ جاهلان قرن چهاردهم و چراغ راه متبعینِ سنّتِ مطهره قرار گیرد،

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ

محمد انور بدخشانی (ورزجی)

۱۱/۶/۱۴۰۳ھ

مفہوم لغوی قنوت

قنوت در لغت بچند معنی استعمال شده است،

۱- بمعنای طاعت، چنانچه در سورهٔ احزاب راجع به ازواجِ مطہرات ارشاد است وَمَنْ يَّقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتَعْمَلْ صَالِحًا یعنی کسیکه اطاعت کند از شما خدا و رسولِ وی را و عملِ نیک کند مستحقِ دو اجر و رزق کریم می گردد.

۲- دوم بمعنای سکوت ورزیدن آمده است، چنانچه ارشاد است وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ، ایستاده شوید در نماز برای خدا در حالیکه خاموش باشید. راجع به تفسیر این آیت عبداللہ مسعود و زید بن ارقم میگویند که ما در نماز سخن میکردیم و در بارهٔ رکعاتِ گذشته از یک دیگر سوال می کردیم که این آیت نازل شد و ما را منع کرده شد از تکلّم فی الصلوٰة.

۳- سوم بمعنای دعا می آید چنانچه ارشاد است اَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ اٰنَآءَ الَّيْلِ سَاجِدًا اَوْ قَآئِمًا یعنی آیا آن کس بهتر است که در اوقاتِ شب به ذکر و دعا مشغول است در حالتِ سجده و قیام یا آنکه چنین نیست؟

۴- چهارم بمعنای قیام می آید. و در حدیث است که از پیغمبر علیه الصلوٰة والسلام سوال شد اَیُّ الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ قَالَ طُوْلُ الْقُنُوْتِ یعنی کدام قسم نماز زیاده فضیلت دارد؟ فرمودند نمازیکه قیامش طویل باشد. (تفسیر کبیر ج ۶ ص ۱۵۲ و ص ۱۵۳)

مفہوم شرعی قنوت

قال القاری و المراد بالقنوت هنا (فی باب القنوت)
الدعاء وهو أحد معانی القنوت کما فی النهایة وغیره.

(بذل المجهود شرح سنن ابی داؤد ج ۲ ص ۳۲۵)

ملاّ علی قاری "در شرح مشکوٰة" می گوید که مراد از قنوت درین جا دعا است و ہمان دعا یکی از معانی قنوت است.

دفع یک اشکال

سوال پیدا می شود که اگر قنوت بمعنای دعا باشد پس "دعای قنوت" گفتن چه معنی دارد؟ زیرا بظاہر چنین مفہوم می گردد که "دعای دعا".

جواب :- این اضافت بیانیه است یعنی دعای خاص که بنام قنوت یاد می شود، امّا دیگر ادعیه نام مخصوص ندارند لذا اضافت آنها باعتبارِ محل یا ظرفیت می شود مثل دعای جنازه، دعای وقت خواب و دعای وقت سواری و دعای وقت افطار.

اقسام قنوت

القنوت فی الصلوٰة علی أصناف (۱) قنوت فی الوتر،

(٢) وقنوتٌ فی صلاة الفجر دائمًا (٣) وقنوتٌ فی النوازل أحیانًا.

(معارف السنن ج ۴ ص ۱۷)

قنوت در نماز بر سه قسم است (۱) قنوتِ وتر (۲) قنوت در نماز فجر دائمًا (۳) قنوت در وقت نزول حوادث گاه گاه.

۱ ـ قنوتِ وتر

قنوتِ وتر معروف است که نزد احناف در تمام سال واجب است ونزد امام مالکؒ در تمام ماهِ رمضان ونزد امام شافعیؒ در نصفِ اخیر ماه رمضان مسنون است. ومحل قنوتِ وتر نزد ما قبل از رکوع است، چون در قنوتِ وتر جدالی نیست لهذا بحث مربوط آن را صرف نظر می کنیم.

۲ ـ قنوت در نمازِ فجر

امام مالکؒ می گوید که قنوت در نمازِ صبح دائمًا مستحب است. امام شافعیؒ می گوید که سنّت است، امّا نزد امام ابوحنیفهؒ وصاحبینؒ وعبد اللہ بن المبارکؒ وسفیان ثوریؒ ولیث بن سعدؒ والامام احمد بن حنبلؒ ویک جماعتِ کثیر از تابعین قنوت دائمی در نمازِ فجر بکلّی ثابت نیست. همین عدم ثبوت از یک جماعه صحابه مثلِ ابوبکر صدّیقؓ وعمر فاروقؓ وعثمان غنیؓ وعلی مرتضیٰؓ وجمّ غفیر امثالِ اینها مروی است. حدیثِ ال بر قنوتِ فجر را بر قنوتِ نازله محمول کرده اند که در حین نزولِ شدّت جاری وساری می باشد. (معارف السنن ج ۴ ص ۱۱)

٣۔ قنوتِ نازلہ

أمّا الثالث فمتفق بين الأمّة ۔ (معارف السنن ج ۴ ص ۱۸)

علّامہ بنوریؒ در ج ۴ معارف السّنن شرح ترمذی می گوید کہ امّا سیوم یعنی قنوتِ نازلہ ثابت است بہ اتفاق و اجماع تمام امۃ مسلمہ

وما يفهم من كلام ابن الهمام في "الفتح" من أن القنوت النازلة نسخ فلا يؤخذ به حيث حكى البدر العيني في "البناية" جوازه عن الامام ابي حنيفة نقلاً عن الطحاوي (معارف السنن ج ۴ ص ۱۹)

آنچہ از کلام صاحب فتح القدیر مفہوم می شود کہ قنوتِ نازلہ منسوخ شدہ است قابلِ اخذ و اعتبار نیست زیرا کہ بدر الدین عینی در بنایہ شرح ھدایہ جواز و بقای قنوتِ نازلہ را از امام ابوحنیفہؒ بحوالہ امام طحاویؒ نقل کردہ است ۔

ودر "ردّ المحتار" چنین است : ای شرعية القنوت في النوازل مستمرة وهو محمل قنوت من قنت من الصحابة بعد وفاته عليه الصلاة والسلام وهو مذهبنا وعليه الجمهور. ج ۲ ص ۱۱

مشروع بودنِ قنوتِ نازلہ یک امر دائمی است و بر ہمین محمول است قنوت آن اصحابیکہ بعد از وفاتِ نبی علیہ الصلوٰۃ والسلام قنوت خواندہ اند (در نماز صبح) و ہمین است مذہب ما و مذہب جمہور علما۔

وجہ تسمیہ قنوتِ نازلہ

قال في الصحاح : النازلة الشديدة من شدائد الدهر ولا شك أن الطاعون من اشد النوازل ۔ (ردّ المحتار ج ۲ ص ۱۱)

درصحاح گفته است که نازله عبارت ہست از یکی سختی از سختی ہای زمانه۔ درین شک نیست که وباہم از سخت ترین حوادثات است۔

پس مفہوم قنوت نازله عبارت است از دعای اجتماعی در وقت ہر سختی که به مسلمانان نازل شود

آغاز قنوت نازله

در ماہ صفر ۴ھ عامر بن مالک (عرف) ابو براء درخدمت نبوی صلی اللہ علیه وسلم حاضر شده چیزی هدیه تقدیم کرد، نبی کریم صلی اللہ علیه وسلم هدیه را (که درحقیقت رشوت بود) قبول نکرد بلکه ابو براء را بطرف اسلام دعوت داد، ابو براء نه از اسلام انکار کرد و نه قبول بلکه عرض کرد که اگرچند نفر از اصحاب را بطرف نجدروان کنید خیلی خوبست تا که مردم را بطرف اسلام دعوت دهند، من امید قوی دارم که مردم قبول می کنند، نبی کریم صلی اللہ علیه وسلم فرمودند که من به اہل نجد یقین ندارم که اسلام را قبول کنند بلکه خطره است که داعین را ضرر میرسانند، ابوبراء گفت من تضمین می کنم که دعاة را چیزی نخواہند گفت، نبی صلی اللہ علیه وسلم ہفتاد صحابه را که بنام قراء مشہور بودند مجہز نموده در امارت منذر بن عمرو ساعدی ارسال فرمودند۔ جماعه مبلّغین رفته درمقام بیر معونه که درمیان مکه مکرمه و عسفان واقع است پایان شده قیام کردند، پیغمبر صلی اللہ علیه وسلم یک مکتوب بنام عامر بن طفیل برادر زادهٔ ابوبراء وسردار

بنی عامر بدستِ حرام بن ملحان نیز ارسال نمودند. در بیر معونه که رسیدند حرام بن ملحان خواست که مکتوب مبارک را به عامر بن طفیل حواله کند مگر قبل از وصول مکتوب یک شخص را اشاره کرد بقتل حرام بن ملحان، آن شخص یک نیزه زد که از پشت به شکمِ آن نفوذ کرد و از زبانِ حرام بن ملحان این کلمه بیرون شد: الله اکبر فُزتُ وربِّ الکعبة.
عامر بن طفیل قبیلهٔ بنی عامر را بقتل بقیهٔ صحابهؓ حکم کرد لیکن عمکش ابو برار چونکه آنها را پناه داده بود لذا قبیلهٔ بنی عامر از همکاری عامر بن طفیل انکار کردند عامر چونکه از قبیلهٔ خود مایوس شد به بنی سُلیم رُخ کرد چنانچه عُصیه و رعل و ذکوان به امدادِ عامر بن طفیل آماده شدند آخراً همه قبائل اتحادِ سه گانه تشکیل داده غیر از کعب بن زید انصاری دیگر تمام صحابه را شهید کردند. علاوه از کعب بن زید دو نفر دیگر نیز محفوظ مانده بودند. منذر بن محمد و عمرو بن امیه ضمری چون این دو بکدام کاری رفته بودند، این دو که خبر شدند فوراً بمقابلِ کفار سنگر گرفتند چنانچه منذر شهید شد و عمرو بن امیه گرفتار. کعب را که مرده دانسته ترک کرده بودند، چون به هوش آمد گریخته خود را خلاص کرد بعداً در غزوهٔ خندق شهید شد.

نبی کریم صلی الله علیه وسلم چون ازین فاجعه خبر شدند بی انتها غمگین معلوم میشدند چنانچه تا یک ماه در نماز صبح در حق همان اتحادِ سه گانه عُصیّه، رعل و ذکوان قنوت خوانده دعای بد میکردند. این بود

آغاز قنوتِ نازلہ و پس منظرِ آن۔ (فتح الباری ج ۷ ص۲۹۶ و ص۲۹۷

زرقانی ج ۲ ص۷۸ ، خصائص کبریٰ ج۱ ص۲۲۳

وفی اعلاء السنن ج ۶ ص۸۵ قلت أحادیث انس المخرجة

فی الصحاح کلها تدل علی تخصیص القنوت بالنازلة وانه کان موقتاً

بشهر واحد (فی هٰذه النازلة) وأن بدء القنوت کان فی وقعة القرّاء

سنہ ۴ھ حیث غدر بهم رعل و ذکوان وعُصیّة۔

یک اشکال

اشکال این است کہ عدّۂ کثیر از مفسرین این آیۂ سورۂ

آل عمران را ناسخِ قنوتِ نازلہ قرار دادہ اند، آیہ مبارکہ این است:

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظٰلِمُوْنَ

در معاملہ این کفار شما را اختیاری نیست خواہ خدا آنہا را توفیقِ

توبہ دھد و خواہ عذابشان دھد کہ آنہا ظالم اند۔

جواب اشکال

جواب اوّل: در بخاری شریف ج ۲ ص۵۸۲ از سالم مرسلاً

روایت است کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم درحقِ صفوان بن امیہ

و سہیل بن عمرو وحارث بن ھشام در نماز دعای بد میکردند

تا آنکہ اللہ تعالیٰ این آیتِ مبارکہ را نازل کرد یعنی دعای بد درحق عامّۂ

کفّار را اللہ تعالیٰ منع نہ کردہ است بلکہ دعای بد درحق سہ افرادِ

مخصوص را منع کردہ است۔

چنانچه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری ج ۷ ص۲۸۱ می گوید که همین سه نفر در اثنای فتح مکه مشرف به اسلام شدند غالباً از همین سبب دعای بد را درحق ایشان الله تعالیٰ منع فرموده آیت را نازل کرد. **جواب دوم**

عن انس شُجَّ رسول الله صلی الله علیه وسلم یوم اُحد فقال کیف یفلح قوم شجّوا نبیّهم فنزلت لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ (بخاری ج ۲ ص۵۸۲)

در صحیح مسلم چنین است

عن انس أن رسول الله صلی الله علیه وسلم کسرت رباعیته یوم اُحد وشُجَّ فی رأسه فجعل یسلت الدم عنه ویقول کیف یفلح قومٌ شجّوا نبیّهم و کسروا رباعیته وهو یدعوهم الی الله فانزل الله لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ الآیة.

جواب سوم : نزولِ آیت در سنه ۳ھ در غزوه اُحد بوقوع آمد، واقعهٔ قُراء وقنوتِ نازله در ماهِ صفر سنه ۴ھ درمعرض وجود آمد آیا ناسخ از منسوخ یکسال مقدم می باشد، این اصول نسخ را از کجا ایجاد کرده باشند؟ این کدام قضیه مجهول نیست که خود را به بهانهٔ نسخ خلاصی کنند بلکه مربوط بتاریخ است که تقدیم و تاخیرِ آن باهلش معلوم است.

پس معلوم شد که لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ دربارهٔ

در قنوتِ نازله نیست بلکه دربارهٔ اشخاصی وارد است که دندان مبارک
را در غزوهٔ اُحد شکستند و سر مبارک را زخمی کردند لهذا سبب نزول
آیت قنوت نازله را قرار دادن از خلط رُواة است۔

قنوتِ نازله در کدام نماز خوانده شود؟

(ولا یقنت لغیرہ) الا النازلة فیقنت الامام فی الجهریة

(الدرالمختار بهامش ردّ المحتار ج ۲ ص ۱۱)

در غیر وتر قنوت خوانده نه شود مگر قنوتِ نازله را که در نمازهای
جهریه خوانده می شود۔

اگرچه بعض علمای احناف قنوتِ نازله را به نماز فجر مخصوص
شمرده اند لیکن مفتیٰ به آن است که در هر نماز جهریه خواندن قنوتِ
نازله درست بلکه مسنون است۔ اگرچه شامی لفظ "فی الجهریة"
را محرّف از "فی الفجر" قرار داده است لیکن در بنایه شرح هدایه
علامه عینی همین لفظ جهریه را اختیار کرده است۔ پس معلوم شد که محرّف
نیست۔

امّا روایاتِ وارده در جمیع صلوات را بر نسخ محمول کرده اند۔
چون پیغمبر علیه الصلوٰة والسلام به قنوت نمازهای خفیه مثل نمازهای
جهریه خصوصًا نماز فجر مواظبت نکردند و از عامهٔ اصحاب منقول است

محل قنوتِ نازله

ازحدیثِ انس کہ در بخاری ومسلم مروی است وعلمای احناف آنرا بر قنوتِ نازله محمول کرده اند دران قنوتِ نازله بعدازرکوع خوانده شده است تایک ماه کہ بر علیه رعل وذکوان آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعا می کردند ومقتدیان آمین می گفتند بعدازرکوع بود، پس از سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَہٗ گفتنِ امام و رَبَّنَالَكَ الحَمْدُ گفتنِ مقتدیان۔

ودر "ردالمحتار" است کہ والذی یظهر لی ان یقنت بعد الرکوع لاقبله ۔ ج ۱ ص ۱۱

خلاصه اینکه ابن عابدین هم در فتوای خود قنوتِ نازله رابعدازرکوع گفته است ودراستدلال همین حدیث قنوت فجر را ذکر کرده است۔

قنوتِ نازله خفیه خوانده شود یا جهرًا؟

درجزء ۶ اعلاء السنن چنین است و أمّا الثالث فقد تقدّم الکلام علیه مستوفی والمختار أن یجهر به لثبوت جهر النبی صلی الله علیه وسلم وعمر به ص ۶ ج ۶

راجع به خفیه یاجهر خواندنِ قنوتِ نازله بحث کاملاً درسابق ذکر شد مختار واولیٰ جهر خواندن آن است زیرا منقول از نبی علیه الصلوٰة والسلام وحضرت عمر جهرِ آن است۔

مقتدی چه باید کرد قنوت خواند یا آمین گوید؟

قلت و قد تقدم أن المختار فيه جهر الامام به فيؤمن المقتدى لاغير، و قد مرّ فی حديث ابن عباس قال قنت رسول الله صلى الله عليه وسلم شهرًا متتابعًا الحديث و فيه ويؤمن من خلفه۔ (اعلاء السنن ج ٦ ص ٢٦ بحواله شامی)

درسابق ذکر شد که اولیٰ در قنوتِ نازله جهر است و وظیفهٔ مقتدی فقط آمین گفتن است وبس، چون در حدیثِ ابن عباس رضی الله عنهما گذشت که نبی علیه الصلوٰة والسلام یک ماه پی در پی قنوتِ نازله خواندند ودران نیز ذکر است که مقتدی ها آمین می گفتند۔

مقتدی سرًّا آمین گوید یا جهرًا؟

آنانکه به آمین بالجهر قائل اند در قنوتِ نازله هم آمین را جهرًا میگویند وآنانکه به آمین بالسر قائل اند در قنوتِ نازله هم خفيةً آمین می گویند خلاصه این است که نزد احناف باید سرًّا آمین گفته شود ونزد غیر احناف جهرًا، لیکن باید دانست که این اختلاف در جواز وعدمِ جواز نیست بلکه فقط در اولیٰ وعدمِ اولیٰ است، جنگ وجدل درین نشان حماقت وجهالت است۔

آیا قبل از شروع قنوتِ نازله دست بالا کرده شود یا نه؟

نعم مقتضی اطلاقهم ان من محال الرفع القنوت وهو یعم قنوت النوازل ایضاً أن یرفع یدیه عنده (اعلاء السنن ج ٦ ص ٧٦)

باید دست بالا کرده شود چون از اطلاق اقوالِ فقهاء که یک محل رفعِ ید قنوت است و قنوت عام است نازله و غیر نازله را، معلوم میشود که در قنوتِ نازله نیز قبل از شروع دست بالا کرده شود لیکن دلیلِ احناف که اثرِ ابراهیم نخعی است و در طحاوی بسندِ صحیح منقول است در آنجا لفظ قنوت الوتر مذکور است ازان معلوم میشود که در غیر قنوتِ وتر دست را تا برابرِ گوش بالا کردن نیست بهر صورت در هر دو گنجائش است.

آیا قبل از شروع قنوتِ نازله تکبیر گفته شود مثل قنوتِ وتر یا نه؟

اگرچه در قنوتِ وتر تکبیر گفته دست را بالا می کنند نظر به این باید در قنوتِ نازله هم تکبیر گفته شود، لیکن تکبیرِ قنوتِ وتر برای فصل است بینِ قرائت و قنوت، و در قنوتِ نازله که بعد از رکوع خوانده میشود فعلِ رکوع خود فاصل است که حاجت به تکبیر نمی ماند.

حاصلِ جواب آنکه: ثبوت تکبیر برای شروع قنوتِ نازله صراحةً نیامده است، نظر به حکمت تکبیر دیده شود که آن برای انتقال از یک رکن

بدیگر رکن است، در قنوتِ نازلہ آن حکمت بہ فعلِ رکوع وسَمِعَ اللّٰہُ لِمَنْ حَمِدَہٗ حاصل می شود پس حاجتِ تکبیر باقی نمی ماند۔

(خُلاصہ از اعلاء السُّنن ج ۶ ص ۷۷)

در حین خواندن قنوتِ نازلہ دستہا چطور باشند؟

والحاصل انہ یضع عند الشیخین فی القنوت سواء کان قبل الرکوع (کما فی قنوت الوتر) او بعدہ (کما فی قنوت النوازل) وعند محمد یرسل۔ (اعلاء السنن ج ۶ ص ۷۷ بحوالہ شامی ص ۵۰۹ ج ۱)

نزد امام ابوحنیفہؒ وامام ابویوسفؒ دست را بالای دست می ماند مثل حالتِ قرائت، ونزد امام محمدؒ دست ہا را کشال میگیرد مفتیٰ بہ قول اول است۔ چنانچہ در قنوتِ وتر ہمین وضع است

مسئلہ: بلی بالاکردنِ دست ہا بہ برابر سینہ یا برابر وجہ مثل ھیئتِ دعا بالاتفاق جائز نیست۔ دلیل ائمہ ثلاثہ قولِ ابن عمرؓ است دربارۂ رفع یدین برای قنوت خواندن کہ فرمود

ارأیتم رفعکم أیدیکم فی الصلوٰۃ واللہ انہ لبدعۃ ما زاد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم علیٰ ھٰذا قط فرفع یدیہ حیال منکبیہ (اعلاء السنن ص ۷۷ ج ۶) وفیہ بشر بن حرب ضعفہ احمد وابن معین وابوزرعۃ وأبوحاتم والنسائی ج ۶ ص ۵۶

لیکن روایت از خود نبی علیہ الصلوٰۃ والسلام وحضرت عمرؓ

رفع یدین است در وقت خواندن قنوتِ نازلہ۔ لٰذا دیگر ائمہ بہ رفعِ یدین قائل اند۔

امام طحاویؒ از فَرَج غلام آزاد کردۂ امام ابی یوسف روایت نقل کرده است که امام ابو یوسفؒ در قنوتِ وتر دست ہای خود را مثل حالتِ دعا بالا می کرد۔ بعض محدّثین این روایت را شاذ گفته اند۔ صاحب اعلاء السنن می گوید : قلتُ وعلی هٰذه الروایة الشاذة عن ابی یوسف یجوز رفع الیدین حذاء الوجه فی القنوت النازلة ایضًا عنده لکونه دعاءً و علیه عمل الشافعیة واللہ أعلم۔ (ج ٦ ص۷۸)

پس معلوم شد که هر دو را گنجائش است لذا این مسئلہ جزئی موردِ نزاع قرار دادن منافی علم است ۔ چنانچه عبارتِ اعلاء السنن را ملاحظه کنید :

و أما قوله ارأیتم رفعکم أیدیکم فی الصلٰوة واللہ انه لبدعة ۔ ففیه دلیل علی کراهة اطالة رفع الیدین فی القنوت کما ترفعان فی الدعاء خارج الصلٰوة و لیس معناه أن مطلق رفع الیدین للقنوت بدعة لان قوله مازاد رسول اللہ صلی اللہ علیه وسلم علی هٰذا قط فرفع یدیه حیال منکبیه یفید سنیة رفعهماله فی الجملة ولابد من التغایر فی الرفع الذی جعله بدعة والذی اثبته، فالظاهر أنه کره اطالة رفعهما کما ترفعان فی الدعاء خارج الصلٰوة و اثبت رفعهما حیال المنکبین سنة الی آخر ماقال و قد

تعتدم أن نفس رفع اليدين للقنوت ثابتٌ عن عمر فی الفجر و عن ابن مسعود فی الوتر، فبعید عن ابن عمر جعله بدعة، وفی الآخر یقول والحدیث یفید بمفهومه ثبوت رفع الیدین للقنوت عن النبیّ صلی الله علیه وسلّم (ای الرفع للدعاء لا لشروع القنوت کالوتر) ج ٦ ص ٥٧ و ٥٨

مولانا مفتی محمد شفیع صاحب مرحوم در یک رساله کوچک خود راجع به قنوتِ نازله چند مسائل تحریر کرده است که اینجا درج می شود:

۱ - مسئله :- خواندنِ این دعا (قنوتِ نازله) سنتِ ابدی نیست بلکه هرگاه به مسلمانان آفت و مصیبتِ عامه نازل میشود همان وقت باید خوانده شود و بعد از زوالِ مصیبت ترک کرده شود (زاد المعاد و شامی)

۲ - مسئله :- خواندن قنوتِ نازله در نمازِ فجر در وقت نزولِ حوادث نزد جمهور احناف مستحب است. بلی در نمازِ مغرب و عشاء بعض احناف مستحب می گویند و بعض دیگر منع می کنند ۔ (درمختار و شامی، بحر و اشباہ)

امّا در نمازِ ظهر و عصر باتفاق حنفیه رح و جمهور ائمه مشروعیتش باقی نمانده است

۳ - مسئله :- در رکعتِ دوم نمازِ صبح بعد از رکوع امام باآوازِ بلند قنوت می خواند و مقتدی آهسته آهسته آمین می گوید، باید که مقتدی بعد از هر جملهٔ دعائیه آمین بگوید (چنانچه برای آسانی در وسط دعا بعد از هر جمله لفظِ آمین را می نویسیم)۔

در بخاری شریف بروایتِ ابوهریره دعا بعد از رکوع باآوازِ

بلند خواندن صراحةً مذکور است ۔

۴ مسئله: در قنوتِ نازله نه مثل قنوتِ وتر دست ها را بالا کرده می شود و نه تکبیر گفته می شود هٰذا هو مقتضی الآثار ولم ار من تعرض له من فقهائنا ۔ (شامی)

۵ مسئله: در هنگام خواندن دعای قنوت باید دست ها کشال باشد ۔ ص ۲ تا ۳

فتوای جامعۂ علوم اسلامیه بنوری تاؤن راجع به قنوتِ نازله

سوال: علمای کرام درین مسئله چه میفرمایند ؟

۱ ۔ آیا قنوتِ نازله در وقت حوادث خوانده شود یا خیر، منسوخ شده است ؟

۲ ۔ در صورت عدمِ نسخ ذکر لفظ " افغانستان " و " روس " و امثالِ آن مفسدِ صلوٰة واقع نمی شود ؟

عنایةً جواب مبرهن و مستند تحریر دارید ۔

واجرکم علی الله

المستفتی: ۔ محمد انور بدخشانی

۱۴۰۳/۴/۷ھ

الجواب

باسمه تعالیٰ

۱ ۔ در صورتِ مسئول قنوتِ نازله خواندن بوقت نزولِ فتنه و حوادث از عهدِ نبوی تا این زمان جاری و ساری، جائز و مسنون است

ہیچ کس ادعای نسخ نہ کردہ، تمام فقہاء حنفیہ جواز را نقل می کنند،
چنانچہ در "رد المحتار" للشامی ہست : قولہ فیقنت الامام فی
الجھریۃ یوافقہ ما فی البحر والشرنبلالیۃ، عن شرح النقایۃ
عن النھایۃ وان نزل بالمسلمین نازلۃ قنت الامام فی الصلوٰۃ
الجھریۃ وھو قول الثوری واحمد۔ ویؤیدہ ما فی شرح المنیۃ حیث
قال بعد کلام فتکون شرعیتہ ای شرعیۃ القنوت فی النوازل
مستمرۃً وھو محمل قنوت من قنت من الصحابۃ بعد وفاتہ
علیہ السلام وھو مذھبنا وعلیہ الجمھور اھ (رد المحتار ج ۲ ص۱۱)

۲۔ بذکر لفظ "افغانستان" و "روس" نماز فاسد نہ می شود زیرا کہ
خود نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم در قنوتِ نازلہ نامِ قبیلہ ہا را گرفتہ اند
چنانچہ امام طحاوی در شرح معانی الآثار از ابوہریرہ رض روایت
نقل می کند : کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یقول حین
یفرغ من صلاۃ الفجر من القراءۃ ویکبّر (للرکوع) ویرفع
رأسہ ویقول سمع اللہ لمن حمدہ ربنا ولک الحمد یقول وھو قائم
اللھم انج الولید بن الولید وسلمۃ بن ھشام وعیاش بن ابی ربیعۃ
والمستضعفین من المؤمنین۔ اللھم اشدد وطئتک علی مضر
واجعلھا علیھم کسنی یوسف۔ اللھم العن لحیان ورعلاً و
ذکوان وعُصیّۃ عصت اللہ ورسولہ. اھ ج ۱ ص۱۱۸

لھٰذا ذکر افغانستان وروس در قنوت مفسدِ نماز نیست۔

دار الافتاء جامعہ اسلامیہ
بنوری ٹاؤن کراچی
۱۴۰۳/۴/۷ھ

فتوای دار العلوم کراچی راجع بقنوتِ نازلہ

سوال :- علمای کرام چہ میفرمایند درین مسئلہ کہ

۱ - آیا قنوتِ نازلہ در وقت نزولِ حوادث خواندہ شود یا خیر منسوخ شدہ است ؟

۲ - در صورت عدمِ نسخ ذکر لفظ "افغانستان" "وروس" و امثالِ این ہا کہ الفاظِ ماثورہ نیستند آیا مفسدِ نماز واقع نمیشوند؟ لطفاً جواب را مبرھن و مستند تحریر دارید واجرکم علی اللہ .

المستفتی :- محمد انور بدخشانی
۷/ ٤/ ١٤٠٢ھ

الجواب

قال الخطابی فیہ ای فی الحدیث الذی فیہ الدعاء علی الکفار باسمائھم دلیل علی جواز القنوت فی غیر الوتر (الی قولہ) وعلی ان الدعاء لقوم باسمائھم لا یقطع الصلوٰۃ وان الدعاء علی الکفار والظلمۃ لا یفسدھا۔ (الی أن قال) قال ابن الملك : و ھٰذا یدل علی أن القنوت فی الفرض لیس فی جمیع الاوقات بل اذا نزلت نازلۃ بالمسلمین من قحط او غلبۃ عدوّ وغیر ذلك. و قد روی عن الصدیق أنہ قنت عند محاربۃ الصحابۃ مسیلمۃ الکذاب وعند محاربۃ اھل الکتاب، وکذلك قنت

عمرؓ وکذلک علیؓ فی محاربة معاویة رضی اللہ عنہ ومعاویةؓ فی محاربة علیؓ مرقاة شرح مشکوٰة ج ۳ ص ۱۷۹ و ص ۱۸۴

از عباراتِ فوق معلوم شد کہ قنوتِ نازلہ منسوخ نشدہ است وذکر اسماء عدوّ موجب فسادِ نماز نیست۔

دار الافتاء دار العلوم کراچی ۱۴

۲۶/۴/۱۴۰۳ھ

احادیث وارده دربارۂ قنوتِ نازلہ

۱ - عن أبی هريرة قال كان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یدعو فی القنوت اللّٰهم انج سلمة بن هشام اللّٰهم انج الولید بن الولید اللّٰهم انج عیاش بن ابی ربیعة اللّٰهم انج المستضعفین من المؤمنین اللّٰهم اشدد وطأتك علی مضر اللّٰهم سنین كسنی یوسف - این حضرات در مکہ مکرمہ در قید مشرکین بودند۔ بخاری ص ۴۱۰ و ۴۱۱ ج ۱ ومسلم ص ۲۳۷ ج ۱

در فتح الملہم ج ۲ ص ۲۳۳ ہست فدعا بذلك خمسة عشر یومًا حتی اذا كان صبیحة یوم الفطر ترك الدعاء فسأله عمر فقال اما علمت انهم قدموا۔

در بخاری ص ۱۳۶ در آخر حدیث بالا این ہست: قال ابن ابی الزناد (الاعرج) عن ابیه : هذا كله فی الصبح.

۲ - عن انس بن مالك قال كان القنوت فی المغرب والفجر بخاری ج ۱ ص ۱۳۶

۳ عن انس بن مالك قال دعا رسول الله صلی الله علیہ وسلم علی الذین قتلوا اصحاب بیر معونة ثلاثین صباحا یدعو علی رعل و ذکوان ولحیان وعُصیّة عصت الله ورسوله

(مسلم ج - ۱ ص۲۳۷)

۴ - عن البراء بن عازب ان رسول الله صلی الله علیہ وسلم کان یقنت فی الصبح والمغرب۔ (مسلم ج - ۱ ص۲۳۷)

۵ - عن عاصم قال سألتُ انس بن مالك عن القنوت، فقال قد کان القنوت، قلتُ قبل الرکوع او بعده ؟ قال قبله، قال فإن فلانًا أخبرنی عنك أنك قلت بعد الرکوع، فقال کذب، إنما قنت رسول الله صلی الله علیہ وسلم بعد الرکوع شهرًا، اراه کان بعث قومًا یقال لهم القرّاء زهاء سبعین رجلاً الی قوم من المشرکین دون اولئك وکان بینهم وبین رسول الله صلی الله علیہ وسلم عهد فقنت رسُول الله صلی الله علیہ وسلم شهرًا یدعو علیهم۔

(بخاری ج - ۱ ص۱۳۶)

۶ - عن أنس ان النبی صلی الله عَلَیہ وَسَلّم کان لا یقنت الا اذا دعا لقوم أو دعا علی قوم، رواه ابن خزیمة فی صحیحه کما فی فتح الباری۔ (ج - ۲ ص۴۰۸)

۷ - وفی صحیح ابن حبان هکذا

عن ابی هریرة کان رسول الله صلی الله علیہ وسلم لا یقنت فی الصبح الا ان یدعو لقوم أو یدعو علی قوم۔

(اعلاء السنن ج - ۶ ص۵۹)

۸ ـ عن ابن عباس قال قنت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم شہرًا متتابعًا فی دبر کل صلوٰۃ یدعو علی رعل و ذکوان وعصیۃ و یؤمن من خلفہ ، رواہ ابو داود و احمد وزاد احمد قال عکرمۃ (الراوی عن ابن عباس) کان ھٰذا مفتاح القنوت

۹ ـ عن الاسود قال کان عمر اذا حارب قنت و اذا لم یحارب لم یقنت ، رواہ الطحاوی و اسنادہ حسن

(اعلاء السنن ج ۲ ص۶۳)

۱۰ ـ عن الشعبی قال لما قنت علی فی صلوٰۃ الصبح انکر الناس ذٰلک فقال علیؓ انما استنصرنا علی عدوّنا . رواہ ابن ابی شیبۃ و سندہ صحیحٌ (اعلاء السنن ص۶۵ ج۶)

الفاظِ مختلف کہ در کتبِ حدیث راجع بہ قنوتِ نازلہ منقول است

اَللّٰھُمَّ اھْدِنَا فِیْمَنْ ھَدَیْتَ ط (آمین) وَعَافِنَا فِیْمَنْ

یا اللہ! مارا نیز ہدایت کن در جملہ کسانیکہ ہدایت کردۂ آنہارا ومارا نیز عافیت دہ در جملہ کسانی

عَافَیْتَ ط (آمین) وَتَوَلَّنَا فِیْمَنْ تَوَلَّیْتَ ط (آمین) وَبَارِکْ

کہ عافیت دادۂ آنہارا و بدوش گیر حلِ مشکلات مارا در جملہ آنانکہ بدوش گرفتہ ای حلِ مشکلات شانرا ومبارک گردان

لَنَا فِیْمَآ اَعْطَیْتَ ط (آمین) وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَیْتَ ط (آمین)

آنچہ کہ مارا دادہ ای ونگاہ دار مارا از شرِ آنچہ کہ فیصلہ نمودہ ای

اِنَّکَ تَقْضِیْ وَلَا یُقْضٰی عَلَیْکَ ط وَاِنَّہٗ لَا یَذِلُّ

چونکہ تو اختیارِ ہر فیصلہ را داری و برعلیہ تو کس فیصلہ کردن نمیتواند و ذلیل نخواھد شد

مَنْ وَّالَيْتَ ط وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ ط -
کسیکہ اورا دوستِ خود گردانیدی وعزّت نخواهد یافت کسیکہ با تو دشمنی کند
تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ ط نَسْتَغْفِرُكَ
توئی سرچشمۂ ہمہ برکات، اے پروردگارِ ما وتوئی دارای مراتبِ عالیہ ما از تو مغفرت میخواهیم
وَنَتُوبُ اِلَيْكَ ط اَللّٰهُمَّ اَنْجِ الْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ
و بہ طرفِ تو رجوع می کنیم یا اللہ! نجات دہ مسلمانان مستضعف را
اَللّٰهُمَّ اشْدُدْ وَطْاَتَكَ عَلٰى مَنْ عَادَاهُمْ ط (آمین)
یا اللہ! سخت کن عقوبتِ خود بر کسانیکہ عداوت دارند با مؤمنان
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ ط
یا اللہ! مغفرت کن گناہِ ما را وگناہِ تمام مردان وزنانِ مؤمن ومسلمان را
وَ اَصْلِحْهُمْ وَاَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ ط (آمین) والف بَيْنَ
ودرست کن احوالِ انفرادی واجتماعی شان را ، ودر دلهایشان بہ یکدیگر
قُلُوْبِهِمْ ط آمین وَ اجْعَلْ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَالْحِكْمَةَ ط (آمین)
محبّت پیدا کن ومنوّر کن دلهایشان را از ایمان وحکمت
وَ ثَبِّتْهُمْ عَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ ط آمین وَاَوْزِعْهُمْ
وثابت قدم دار ایشان را بہ دین پیغمبرِ خود وتوفیق دہ ایشان را
اَنْ يَّشْكُرُوْا نِعْمَتَكَ الَّتِيْ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ط (آمین)
تا شکرِ انعامات تو را بجا آرند
وَ اَنْ يُّوْفُوْا بِعَهْدِكَ الَّتِيْ عَاهَدْتَّهُمْ ط (آمین) وَانْصُرْهُمْ
وتاکہ وفا کنند بآن عهدیکہ با تو کردہ اند ومدد کن ایشانرا
عَلٰى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ ط (آمین) اِلٰهَ الْحَقِّ
درمقابلِ آنانکہ دشمنِ تو ودشمنِ آنهـا اند اے معبودِ برحق!

سُبْحٰنَكَ لَآ اِلٰهَ غَيْرُكَ ط اَللّٰهُمَّ اَعِزَّ الْاِسْلَامَ

پاکی است ترا ونیست معبودی غیر از تو یا اللہ! غالب کن اسلام

وَالْمُسْلِمِيْنَ ط آمین وَاخْذُلِ الْكَفَرَةَ اَهْلَ الْكِتٰبِ

و مسلمانان را، و ذلیل کن کفّار را خواه از اہل کتاب

وَالْمُشْرِكِيْنَ وَالشُّيُوْعِيّيْنَ وَالرُّوْسِيّيْنَ وَالْمُلْحِدِيْنَ الَّذِيْنَ

و مشرکین باشند یا از اشتراکیین وشوروی ہا ویا از ملحدین جدید، آنانکہ

يَجْحَدُوْنَ اٰيٰاتِكَ وَ يُكَذِّبُوْنَ رُسُلَكَ وَ يُقَاتِلُوْنَ

منکر انداز احکامِ تو وتکذیب می کنند پیغام برانِ تورا ومی کشند

اَوْلِيَاءَكَ ط آمین اَللّٰهُمَّ خَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ط آمین

دوستانِ تورا یا اللہ! اختلاف پیدا کن در کلمات وفیصلہ ہای شان،

وَشَتِّتْ شَمْلَهُمْ ط (آمین) وَمَزِّقْ جَمْعَهُمْ ط آمین

و پارہ پارہ ساز طاقتِ شان را وریزہ ریزہ کن سازمان ہای شان،

وَزَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ ط (آمین) اَللّٰهُمَّ خُذْهُمْ اَخْذَ

و بلغزان قدمہای شان ط یا اللہ مواخذہ کن ایشان را چنانکہ یک

عَزِيْزٍ مُّقْتَدِرٍ ط (آمین) اَللّٰهُمَّ اَهْلِكْهُمْ كَمَا اَهْلَكْتَ

صاحب قدرتِ کامل مؤاخذہ می کند یا اللہ! ہلاک کن ایشان را چنانکہ ہلاک کردی

عَادًا وَّ ثَمُوْدَ ط (آمین) وَ اَنْزِلْ بِهِمْ بَأْسَكَ الَّذِيْ

عاد و ثمود را ونازل کن برایشان آن عذاب را

لَا تَرُدُّهٗ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ

کہ دوبارہ رد نمی کنی از مجرمین

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ الْكَرِيْمِ

و رحمت خدا باد بر نبی کریم۔

فرہنگِ اصطلاحات

رھن : گرو کردن

راھن : گرو کننده

مرتھن : گرو گیرنده

مرھون : چیز گروی

انتفاع : نفع گرفتن، متمتّع شدن

ربح : فائده، نفع

اذن : اجازت

ربا : سود

قبضہ : در تصرّف خود گرفتن

جائز الوفاء : بوعدۂ خود وفا نموده فسخ بیع را جائز شمردن

استیثاق : محکم نمودن

قنوت : دعا

نازلہ : حادثہ، سختی

جہرًا : بآوازِ بلند

سرًّا : بآوازِ پست

اشکال : اعتراض، سوال

دفع اشکال : جوابِ سوال

مژدۂ نیک

(۱) عدل اسلامی یا مساوات اشتراکی (فارسی) (۲) آئینۂ مجاہد (۳) مصاحبہ با قرآن
انشاء اللہ بہ نزدیکی موردِ استفاده قرار خواهند گرفت